



«سعید برآبادی

«خشم» و «خشونت» دیگر یک واکنش یک‌طرفه و صرف نیست؛ جهان امروز با پدیده‌های خشونت‌آمیزش، با صلابت مواجه می‌شود و خواهان پایان بخشیدن به خشونت‌هاست، حتی اگر این خواسته‌اش را خشن‌تر از قبل به زبان آورد. اتفاقات تلخ و خشونت‌آمیز پاریس و بعد از آن، گردهمایی بزرگ برای مقابله و پایان بخشیدن به آن، از حضور صاحبان قدرت بر‌خوردار بود تا در پس‌زمینه، به مروجان خشونت یادآوری کند؛ «جواب‌های، هوی است»، اما واقعا مگر می‌شود به خشونت از زاویه‌ای کارکردی نگاه کرد؟ دکتر سعید معیدفر، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «شرق» تاکید می‌کند که به‌لحاظ روانشناختی، خشونت، شامل بخشی از ابعاد وجود انسان می‌شود و به همین خاطر می‌توان نگاهی کارکردگر با آن داشت.

«بسیاری از جلوه‌های زندگی امروز با خشونت گره خورده است؛ به‌طوری‌که حتی شاهد رفتار خشونت‌آمیز برای پایان بخشیدن به خشونت‌ها هستیم، **چطور صفتی منفی می‌تواند عملی مثبت را مرتکب شود**؟

طبیعتا وقتی که می‌گوییم جست‌وجوی مظاهر خشونت زندگی امروز، باید از دنیای بازی‌های رایانه‌ای شروع کرد و رفت تا مسایلی بین‌المللی، در چنین گستره‌ای خشونت- به‌لحاظ روانشناختی- به یکی از ابعاد انسانی بدل می‌شود و حتی می‌توان گفت کارکردهایی پیدا می‌کند، به‌عنوان مثال اگر جامعه‌ای مورد تعرض جامعه دیگری قرار بگیرد یا فردی مورد تعرض فردی دیگر قرار بگیرد، این بُعد خشم است که وارد عمل شده و از فرد و جامعه در برابر تعرض دفاع می‌کند، در چنین شرایطی می‌گوییم که خشونت کارکرد یافته است، اما چنین نوع مواجه‌ای همیشه نیست و گاهی اوقات ممکن است ویژگی خشم در راستای دیگری وارد عمل شده و بحران‌آفرین شود؛ در این شرایط با خشونت به‌عنوان یک چالش فردی و اجتماعی مواجهیم، افرادی که به‌خاطر زیاده‌طلبی یا حتی بدون آنکه دلیل قانع‌کننده‌ای داشته باشند یا در حريم دیگران می‌گذارند؛ تولیدگر رفتارهای خشونت‌آمیزی هستند که امکان تکثیر آن در جامعه هست.

«آیا می‌توان به بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌های خشن و مظاهر این جنبی از دنیای امروز به‌عنوان تولیدگران رفتارهای خشونت‌آمیز اشاره کنیم؟ به اعتقاد من اینکه ما بر اساس تقلید یا قرارگرفتن ناخواسته در معرض چنین پدیده‌های خشنی، رفتاری خشونت‌آمیز از خود بروز می‌دهیم، نیاز به بررسی دارد. وقتی فرد در برابر یک بازی خشن یا یک فیلم پر از خشونت قرار می‌گیرد، ممکن است کمی تعدیل شده و حتی بخشی از موج خشونت حاضر در او کاسته شود. من هم معتقدم که بعضی از بازی‌های رایانه‌ای و فیلم‌ها جنبه خشونت‌آموزی دارند اما این موارد باید اثبات شوند. گاهی یک فیلم ممکن است در ظاهر، ترویج‌گر خشونت باشد اما در همان حال



بررسی پدیده «خشونت» در گفت‌وگو با دکتر سعید معیدفر، جامعه‌شناس:

باید نگاه کلیشه‌ای در مورد تبلیغ خشونت را کنار بگذاریم

ممکن است به ما کمک کند درباره مفهومی که نسبت به آن دچار خشم شده‌ایم تجدید نظر کنیم و به‌نوعی از میزان خشونت خود بگاییم، در این‌دست تولیدات رسانه‌ای، پیام تولیدشده، خصلت‌های درونی یا انرژی‌های مازاد، فرد را خارج کرده و او را به تعادلی نسبی می‌رساند که لازمه عبور از خشم است. شما وقتی عصبانی هستید، ساده‌ترین توصیه به شما این است که وقفه‌ای در روند فکری خود ایجاد کنید تا با خشم فاصله گرفته و به اصطلاح آرام شوید، گاهی این محصولات رسانه‌ای هم همین کار را می‌کنند. معمولا ندای غرب متهم است به اینکه با نشان‌دادن فیلم‌ها و ساخت بازی‌های خشن، در حال ترویج مساله خشونت است اما اگر محصولی از این دنیا بتواند در تخلیه روانی فرد کمک کرده یا بحرانی را از جامعه‌ای بکاهد، به نظرم توانسته در جهت کاهش خشونت جامعه قدم بردارد و به همین دلیل است که باید نگاه کلیشه‌ای در مورد تبلیغ خشونت را کنار بگذاریم. «**دعاهای شهری از نمونه‌های اصلی خشونت‌هایی هستند که می‌توانستند هرگز آغاز نشوند، چطور برای مقابله با آنها آمادگی کامل می‌توان کسب کرد؟**

خشونت در کنار تأثیرات بیرونی، ریشه‌های درونی هم دارد که بدون درنظرگرفتن آن، نمی‌توان به طور دقیق چنین پدیده‌ای را شناخت. خشونت از ایین منظر، نخستین واکنش تندی است که فرد در مواجهه با اطرافش از خود بروز می‌دهد؛ دعاهایی که بر سر تصادف‌های ساده پیش می‌آید، واکنشی خشونت‌آمیز است و ماحصل همین نوع نگاه، از سوی دیگر وقتی ما در برابر کشته‌شدن انسانی، خواهان قصاص هستیم، به نظرم پیش از هرچیز کنترل دقیق روابط اجتماعی ما با دیگران باید در اولویت قرار بگیرد. باید یاد بگیریم که چگونه در روابط اجتماعی‌مان با دیگران، خود را کنترل کنیم و ناخواسته یا خواسته در دام خشم نیفتیم.

«**وقتی از روابط اجتماعی صحبت می‌شود پای قانون هم به میان**



می‌آید، **قانون چطور می‌تواند به کاهش خشم در جامعه کمک کند؟**
هروقت مشکلی در روابط اجتماعی ما پیش می‌آید، اطمینان به وجود قانون و رعایت آن می‌تواند یک پشت‌گرمی برای فرد باشد. اطمینان به وجود قانون، باعث می‌شود که فرد با کنترل به‌موقع خشم خود، از این مرحله عبور کند اما وقتی نگرانی از اعمال قانون هست، بروز خشونت، محتمل‌تر است. برای روشن‌شدن موضوع در نظر بگیرید که در محیط خانواده و میان

آموختن دفاع شخصی یا یادگرفتن حمله!

موسساتی هستند که می‌خواهند شما را خشن بار بیاورند

است. از ترم پنج به بعد، شکستن مفصلی مثل آرنج، کتف و... آموزش داده می‌شود و البته که از افراد آموزش‌دیده هم تعهد گرفته می‌شود که در خیابان موجب درگیری نشده و فقط در صورت مورد تهاجم قرارگرفتن از سوی مهاجم و سارق از خود دفاع کنند. این رشته تازگی‌ها خانم‌ها را هم جذب خودش کرده



و دقیق‌تر از مردها هستند. باین‌همه هیچ روانشناس یا جامعه‌شناسی تابه‌حال این ورزش رزمی را تایید نکرده و همه می‌گویند وقتی شما روش بروز خشونت را بدیند، محال است بتوانید در محیط‌های خشن، خودتان را کنترل کنید و دست به زدن آدم‌ها زنید! امان‌الله قربانی‌مقدم، از جامعه‌شناسانی است که معتقد است نزاع‌های خیابانی ریشه در انتشار یکباره خشونت از سوی مردم عادی دارد: «اکثر نزاع‌ها بر سر اموال، دارایی یا اغلب در رانندگی، هنگام پیچیدن یا سبقت رانندگان از یکدیگر و حتی موقع دریافت کرایه از مسافران به وجود می‌آید.» به گفته او، مورد دیگری که از دلایل مهم نزاع‌های خیابانی است، متلک‌پرانی و مزاحمت‌هایی است که به عینه در معابر توسط جوانان صورت می‌گیرد و باعث درگیری بین افراد می‌شود که هرکدام از دو طرف وارد جنگ و ضرب‌وجرح می‌شود تا از خود دفاع کنند.»

او با توجه به سن کم افراد حاضر در نزاع‌های خیابانی، مهار خشونت و حفظ آرامش را اولین قدم در حل مشکلات اجتماعی افراد می‌داند و توصیه می‌کند پیش از هرگونه اقدامی، اول از همه سعی کنیم تسلط به خود را بازیابیم تا در قدم بعد، از مهارت‌های فردی‌مان در جهت پایان‌بخشیدن به درگیری‌های کوچک بهره‌مند شویم؛ «این روش شاید به نظر قدیمی باشد اما هنوز از هرگونه آمادگی جسمانی و رفتن به کلاس‌های بدن‌سازی و دفاع شخصی بهتر است.»

زاویه

خشونت مدرن داعش

شرق؛ به‌تازگی ویدئوی تازه‌ای از داعش، عمق خشونت‌طلبی آنها را به شبکه‌های اجتماعی رسانده. کودکی ۱۰ساله، اسلحه به دست می‌گیرد و دوجاسوس روس را به‌صورت انقلابی با شلیک کلوله به سرشان اعدام می‌کند. این اولین‌بار نیست که داعشی‌ها اینطور روبه‌روی چشم بیدار جهان خشونت خود را به رخ می‌کشند. در کمتر از یک‌سال از پاکرفتن این گروه تروریستی، خشونت به صفت جدانشدنی آنها بدل شده و به نظر می‌رسد داعشی‌ها نه‌تنها مایل به پنهان‌کردن آن نیستند، بلکه از نمایش آن در پیش‌انظار عمومی لذت بیشتری می‌برند. در ویدئوی تازه منتشرشده در شبکه الحیات، یک کلت در دست کودک داعشی دیده می‌شود و طبق سنت مرسوم داعشی‌ها مردی در بالای سر دوفرد اعدامی نخست بیانیه‌ای قرائت می‌کند و سپس کودک داعشی به سر دومرد روس شلیک می‌کند. مرد داعشی در ویدئو می‌گوید این دومرد عضو سرویس اطلاعاتی روسیه هستند که برای جاسوسی از داعش به سوریه اعزام شده‌اند. دوشنبه هفته پیش هم این‌گروه ویدئوی یک‌نوجوان ۱۴ساله انتحاری را منتشر کرد که در استان صلاح‌الدین عراق دست به حمله انتحاری می‌زند. چارلی وینتر پژوهشگر ضد تروریسم در اندیشکده «کوئیلیام» در بریتانیا



به اینپدیندنت می‌گوید به نظر می‌رسد دلیل استفاده از کودکان در ویدئوهای اخیر داعش صرفنظر از اینکه این کودکان واقعا دست به اعدام یا اعمال انتحاری می‌زنند یا صرفا یک صحنه‌سازی تبلیغاتی است، افزودن که عامل شوکه‌کننده به این ویدئوهاست. کودک ۱۰ساله داعشی در پایان این ویدئو در پاسخ به سوالی درباره آینده‌اش با خنده می‌گوید: «من ذبح‌کننده کفار برای شما خواهم بود.» این کودک می‌افزاید: «به اذن خدا در آینده مجاهدی چون شما خواهم شد.»اعدام تنها شیوه انتشار خشونت داعشی‌ها نیست. آنها در طول حیات چندساله خود در بین‌النهرین از شیوه‌های مختلف ترساندن استفاده کرده و در این راه خشونت را به بالاترین درجه فهم انسانی رسانده‌اند. ازدواج اجباری سربازان داعشی با دخترچه‌های ایزدی در سنگال، تهدید و تجاوز به شهر کوبانی با هزاران نفر زن و کودک و سالمند، گسترش بمب‌گذاری‌های انتحاری در میان مراکز شهر، مساجد شیعه و قتل‌عام اقلیت‌های دیگر مذهبی، داعش را به مفهوم مدرن و جدیدی از خشونت بدل کرده. آنها با استفاده از جدیدترین ابزارهای ارتباط جمعی و با بهره‌گیری از تازه‌ترین روش‌های گسترش اینترنتی، تصاویری از خود و اعمال خشونتشان بر انسان‌های بی‌گانه تهیه کرده و بدون شرم و حتی افتخار آن را در سایت‌هایی چون یوتیوب، فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های اجتماعی قرار می‌دهند و مدعی‌اند با این روش توانسته‌اند صدها و بلکه‌هزاران سرباز متحد خود را از سراسر دنیا جذب کنند. سربازانی از کشورهای مختلف اروپایی، آسیایی و آمریکایی‌که مجذوب این قدرت مرگبار شده‌اند، هرروز به ارتش داعش اضافه می‌شوند و تولیدکننده ویدئوهای تازه‌ای هستند که جهان را به هراس وادار می‌کند. در ساده‌ترین نمونه، ویدئوی سربریدن خبرنگاران آمریکایی در یوتیوب بیش از دومیلیون‌بار دیده شده که می‌تواند این سوال را در ذهن‌ها متبادر کند که آیا جهان با تولد شوم داعش، در حال تجربه سطح تازه‌ای از خشونت انسان علیه انسان است؟

در برابر قانون

پاسخ قانون به خشونت چیست؟

راضیه بقایی • کارشناس حقوقی

دعوا یعنی روی آوردن به ضرب‌وجرح؛ یعنی دست‌زدن به جرم علیه اشخاص که تبعات حقوقی فراوانی برای افراد به بار می‌آورد. ضرب یعنی زدن که از نظر حقوق‌دانان به صدماتی گفته می‌شود که واردکردن آنها موجب ازهم‌کسیختگی ظاهری نسوج و خونریزی از بدن نمی‌شود. پس کسی که در یک‌نزاع شرکت می‌کند و موجب ایجاد کبودی، تورم، پیچ‌خوردن مفاصل و خون‌مردگی در بدن طرف دیگر درگیری می‌شود، از نظر قانون مرتکب ضرب شده است و باید این کارش را جبران کند؛ چه نقدی و چه حبسی!

بیشتر کسانی که با دیگران درگیر می‌شوند شاید حتی به فکرشان نیز نرسد آسیبی که به آن فرد زده‌اند آنها را جزو مرتکبان جرح عمدی قرار داده است، اما وقتی خشم طغیان می‌کند، کمتر کسی است که به عواقب آن فکر کند، ولی به‌رحال نظر قانونگذار در مورد این‌دسته از افراد کاملا واضح است. پس اگر شخصی به قصد قطع یا جرح عضو به دیگری صدمه بزند یا حتی قصد این عمل را نداشته باشد، ولی نوع عملش منجر به قطع یا جرح عضو شود، مرتکب عمل عمدی شده است.

بعضی اوقات نیز اتفاق می‌افتد فردی که دست به جرح عمدی زده نه قصد چنین کاری داشته و نه وسیله‌ای که از آن استفاده کرده یا نوع عملش باعث بروز صدمه شده، بلکه عمل او نسبت به طرف مقابل به‌واسطه پیری، بیماری، ضعف جسمانی یا سن کم مصدوم منجر به قطع یا جرح عضو شده در حالی که خودش (صدمه‌زننده) از این موضوع با خبر بوده است. اگر قاضی تشخیص دهد قطع یا جرح عضو عمدی است، مصدوم می‌تواند تقاضای قصاص کند که اگر مجرمیت ضارب اثبات شود با رعایت شرایطی، قصاص خواهد شد.

تساوی در قصاص

به این ترتیب باید در قصاص بین اعضا تساوی باشد، یعنی اگر کسی دست‌راست دیگری را شکست، دست‌راست او به تقاضای مصدوم شکسته شود؛ یعنی هرعضو در مقابل همان عضو و همان محل در مقابل همان محل. البته در اینجا یک استثنا وجود دارد. به‌این صورت که اگر مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او را اگر دست‌چپ هم نداشته باشد پای او به جای دست قصاص می‌شود، ولی این قاعده در مورد سایر اعضا مثل گوش و چشم صدق نمی‌کند.

در مورد قصاص علاوه بر تساوی بین محل اعضا باید آنها از نظر سالم‌بودن هم با یکدیگر مساوی باشند. برای همین در بعضی جراحات‌ها و سوتختی‌ها یا در مورد شکستگی استخوان‌ها که ممکن است قصاص، موجب مرگ مجرم شود یا بیشتر از صدمه‌ای که وارد کرده صدمه ببیند، به جای قصاص از او دیه گرفته می‌شود. در این میان اتفاق می‌افتد یا شاکلی از قصاص صرف‌نظر می‌کند یا شرط تساوی محقق نمی‌شود که در ایین صورت ضارب به دو تا پنج‌سال حبس محکوم می‌شود.

اگر در یک‌درگیری بیش از دوفرد شرکت‌کنند، آن‌وقت آن درگیری به نزاع دسته‌جمعی تبدیل می‌شود که قوانین و تبعات حقوقی مخصوص به خودش را دارد. در این موارد قانونگذار برای هریک از شرکت‌کنندگان در منازعه چه آسیب دیده باشند و چه آسیب‌زده باشند، مجازات تعیین کرده آن هم به این علت که در درگیری شرکت کرده‌اند. در این شرایط در صورتی که منازعه به نقض عضو منتهی شود هریک از شرکت‌کنندگان به حبس از شش‌ماه تا سه‌سال و اگر منازعه منتهی به ضرب‌وجرح شود، هریک به سه‌ماه تا یک‌سال حبس محکوم می‌شوند.

هر فاعی مشروع نیست

اثبات دفاع مشروع، کار سختی است یعنی کار مشکلی است که فردی در محضر دادگاه بتواند ثابت کند برای دفاع از جان، مال و ناموس خود یا دیگری یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر تجاوز یا خطر قریب‌الوقوع، مرتکب اعمالی مثل قتل و ضرب‌وجرح که ذاتا جرم محسوب می‌شوند، شده است. ولی به‌رحال قانون می‌گوید وقتی دفاع فرد متناسب با تجاوز و خطر باشد و عمل او بیش از حد لازم نباشد، همچنین امکان توسل به مأموران انتظامی بدون وقت ممکن نباشد یا اینکه مداخله آنها در رفع تجاوز یا خطر موثر نباشد، دفاع مشروع به‌شمار می‌رود. پس وجود تمام این شرایط برای احراز دفاع مشروع ضروری است و اگر هرکدام از این شروط محقق نشود، هیچ عمل دفاعی، مشروع تلقی نمی‌شود.

کسانی که به قصد دورکردن کسی از صحنه درگیری یا ادب‌کردن او، با چاقو به وی صدمه می‌زنند، وقتی در محضر دادگاه قرار می‌گیرند، اعلام می‌کنند هیچ‌قصد قبلی‌ای برای قطع یا جرح عضو فرد مصدوم نداشته‌اند، اما قاضی به آنها خواهد گفت اگر چه او چنین قصدی نداشته، اما نوع وسیله‌ای که از آن برای انجام این کار استفاده کرده منجر به چنین نتیجه‌ای شده است.

طبق قوانین آیین دادرسی کیفری، این میزان حبس با تحقق چهارشرط اتفاق می‌افتد یعنی صدمه وارده موجب نقصان یا شکستن یا از کارافتادن عضو مصدوم شود، صدمه وارده منتهی به مرض دایمی فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع مصدوم شود، صدمه وارده منجر به از بین‌رفتن عقل مصدوم شود و قاضی تشخیص دهد که اقدام مجرم باعث اخلال در نظم و امنیت عمومی شده یا موجب شود وی یا دیگران جری و گستاخ شوند. حالا اگر چنین آسیب‌هایی پیش نیامده باشد ولی مجرم هنگام ایجاد صدمه از اسلحه یا چاقو یا ابزاری شبیه اینها استفاده کرده باشد، به سه‌ماه تا یک‌سال حبس محکوم خواهد شد.

